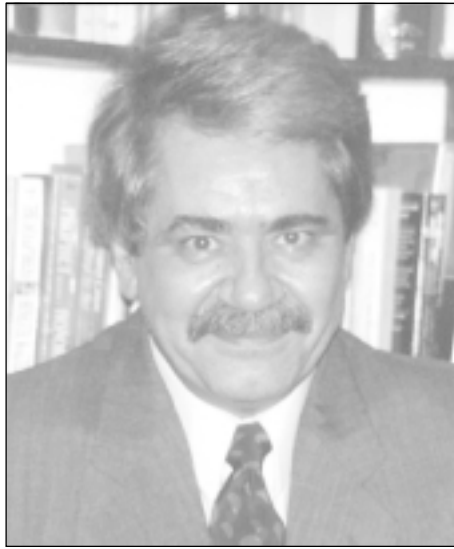


در حاشیه خبرها

حسین جعفری - سن حوزه



بسیار خوبی باشد برای رهبران جمهوری اسلامی که در معادلات بین المللی حساسی برای روسیه باز کرده و روی این کشور سرمایه گزاری معنوی می کنند و در عمل نیز دست و پای این کشور را برای سرمایه گزاری مالی در ایران آزاد گذاشته اند. روسیه با این عمل خود نشان داد که همان "خرس" معروف در همسایگی کشورهای همجوار است و اگر روزی پیش آید همان معامله ای را که استالین قصد داشت با آذربایجان ایران کند، باز هم بر سر این قسمت از ایران خواهد آورد. البته پس از حذف استقلال جمهوری آذربایجان که در تاریخ هم بی سابقه نیست. پوتین این مأمور سابق کی جی بی و دست پرورده رژیم شوروی سابق که بواسطه رودرواسی های بین المللی نتوانست برای بار سوم خود را به مسند ریاست جمهوری برساند، از در عقب وارد صحنه سیاسی روسیه شده و با عنوان نخست وزیری عملاً اداره روسیه را برعهده دارد و همراه با "مدودف" رئیس جمهوری اسمی روسیه که کاملاً تابع نظرات پوتین و در فرمان اوست قصد دارد خود را به صورت استالین و برژنف دیگری در صحنه بین المللی تثبیت کند تا بتواند به راحتی با رأی اکثریت مردم روسیه باز هم به مسند ریاست جمهوری دست یابد. این حمله او به گرجستان نیز یادآور حمله های اتحاد جماهیر شوروی به کشورهای مجارستان و لهستان و چکسلواکی در نیمه دوم قرن بیستم است.

یک میلیون دو ساله

شما حق دارید این عنوان را هر گونه که دلتان میخواید بخوانید اما من منظوم تلاش برای کسب یک میلیون امضاء از سوی زنان مبارز ایران یعنی "کمپین یک میلیون امضاء" است که این تلاش اکنون پس از سالی فعالیت بسیار پر بار، پای به سال دوم نهاده است.

هدف از دست زدن به این تلاش آن بود که امضاء کننده گان خواهان حقوق برابر زنان با مردان بودند. طی سال گذشته فعالیت در راه این تلاش دسته جمعی پاره ای از زنان مبارز و خستگی ناپذیر و سازمان های حافظ و طرفدار حقوق بشر و سازمان های غیر دولتی یا به اصطلاح NGO موجب گردآوری شمار بسیاری امضاء شده است. این تلاش زنان سبب شد که سازمان های بین المللی و رسانه های جهانی نیز با این تلاش آشنا شده و نسبت به آن اقبال نشان دهند و به سهم خود، در انعکاس دادن این فعالیت، کوشش کنند. بسیاری از سرشناسان نیز با پایه گزار این نهضت بودند یا به آن پیوستند از جمله سمین بهبهانی، شیرین عبادی، دکتر ناصر زرافشان و... از سوی دیگر کوشندگان این راه با مشکلات گوناگون روبرو شدند. رژیم عقب مانده جمهوری اسلامی که هیچ تلاش همراه با انتقادی را تحمل نمی کند و حتی تا حذف فیزیکی مخالفانش نیز پیش می رود در این زمینه نیز این چنین کوشش انسانی را برنرفته و تعدادی از زنان کوشنده در این راه را دستگیر کرد که پاره ای از آنان هنوز زندانی و میهمان رژیم هستند از جمله محبوبه کرمی که بالاخره پس از ماهها زندانی بودن اخیراً آزاد شد، اما هنوز با محدودیت های بسیاری روبروست. تعدادی از زنان نیز در تجمعات گوناگون به این بهانه که در صدد جلب توجه مردم به فعالیت مربوط به گردآوری یک میلیون امضاء هستند مورد هتک حرمت قرار گرفته و به شدت کتک خوردند. اما شیرزنان ایران دست از فعالیت برنداشتند. امضاء کردن این خواست انسانی اختصاص به زنان ندارد و تمام کسانی که خواستار برابری حقوق زن و مرد هستند می توانند این اعلامیه را امضاء کنند.

ما که خواهان مقاومت مسلحانه و خشونت آمیز نیستیم و هرگز نمی خواهیم خون را با خون پاسخ دهیم و هرگز خواهان حذف فیزیکی مخالفان خود نیستیم، کمترین کاری که مثل یک انسان متمدن، اندیشمند، متعادل و معقول می توانیم انجام دهیم دنباله مطلب در صفحه ۳۳

دست روسهای آماده حمله داد و خود را در تله ای انداخت که دود آن به چشم مردم گرجستان رفت و لطمه شدیدی به موقعیت ساکاشویلی و پرستیز آمریکازد. هرچند حمله روسیه به گرجستان سبب بالا رفتن محبوبیت رئیس جمهور گرجستان شده است، اما او با این کار خود نشان داد که سیاستمداری کم تجربه است و بیش از حد به پشتیبانی آمریکا دل بسته بوده است. در این درگیری ها یکصد و شصت هزار نفر آواره و بی خانمان شده و هزاران نفر نیز کشته شدند. اصولاً اثر روانی این واقعه از بین رفتن اعتماد به نفس کشورهای از شوروی جدا شده و تازه به استقلال رسیده بود که هر یک به این نتیجه رسیدند که ممکن است نوبت بعدی کشور آنان و مردم آنان باشد و همین امر فکر پیوستن پاره ای از این کشورها را به سازمان دفاعی ناتو جدی تر کرد. به عبارت دیگر با این اقدام روسیه سایر کشورهای که قبلاً بخشی از شوروی سابق بودند و اکنون تبدیل به کشورهای مستقل شده اند با احساس بیم از عملی مشابه از سوی روسیه نسبت به استقلال و تمامیت ارضی خود، آمادگی بیشتری پیدا کرده اند که با اروپای غربی یا آمریکا قراردادهای دفاعی امضاء کنند که از جمله میتوان از اوکراین در این زمینه نام برد که برای بستن قرارداد دفاعی پیش قدم شده و اعلام آمادگی کرده است.

این کشورها پس از این وقایع در روابط خود با روسیه نیز تجدید نظر کرده اکنون دیگر به آن صورتی که پیش از وقایع گرجستان به روسیه به عنوان کشوری دوست و قابل اعتماد و بی خطر می نگریستند نگاه نکرده و در روابط خود بیش از پیش با احتیاط رفتار خواهند کرد. از سوی دیگر سایه وحشتناک جنگ سرد مجدداً گسترده شد و به گمان من آمریکا نایستی به هیچ عنوان اجازه دهد که کشورهای چون روسیه و چین سر بلند کنند و آمریکا نایستی به واسطه منافع اقتصادی کوتاه و میان مدت خود به این کشورها یاری رسانده و از برنامه های بلند مدت تدافعی خود غافل بماند. به هر حال مسأله گرجستان به هر صورتی که حل شود، روسیه با یک احساس مصونیت از مجازات از این مخاصمه بیرون خواهد رفت و هرچند هم که بواسطه این عمل خود یعنی حمله به گرجستان با مجازات ها و محرومیت های بین المللی روبرو شود، اما میتوان گفت که به نحوی اعاده حیثیت کرده و به مرزهای شوروی تجاوز کار، خود را نزدیک تر کرده است و در معادلات بین المللی نیز اکنون، یعنی پس از حمله به گرجستان، متأسفانه بیش از پیش روی روسیه محاسبه خواهد شد زیرا حرف آخر را دهانه توپ میزند. این کشور نشان داد که برخلاف آن چه تاکنون سعی کرده بود تا خود را کشوری طرفدار آزادی و دموکراسی و احترام به استقلال و تمامیت ارضی دیگر کشورها نشان دهد، اما اگر موقعیتی مناسب پیش آید همان روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی است و خوی تهاجمی خود را همچنان حفظ کرده است و این می بایستی درس

ها و رژیم های گوناگون و رهبران ریز و درشت و پشت هم انداز است که خود را نیز نماینده مردم جا میزنند.

در به همان پاشنه می گردد

خامی و کم تجربگی میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهور گرجستان و طمع کاری روسیه سبب شد که در این میان آمریکا که از مدت ها بر سر امضاء قرارداد مربوط به ایجاد پایگاه دفاع موشکی با لهستان کلنجار می رفت، به واسطه وحشت لهستان از تکرار چنین عملی از سوی روسیه نسبت به آن کشور، بلافاصله این قرارداد را امضاء کرده و تضمینی برای استقلال خود در مقابل روسیه خریداری کند (البته یک روز پس از بسته شدن این قرارداد، معاون فرمان دهی ستاد ارتش روسیه، لهستان را به حمله نظامی تهدید کرد). اما روسها بعداً دست و پای خود را جمع کردند و دست از تهدید لهستان برداشتند. در تاریخ صد سال گذشته لهستان همواره چون گوشت قربانی مورد حمله کشورهای دیگر به ویژه آلمان و روسیه بوده و این کشور بیشترین لطمه ها را از همسایه قدر قدرت خود دیده است که یکی از مشهور ترین این حملات مربوط به سال ۱۹۵۶ است که روسها یکی از رهبران آزادیخواه لهستان به نام "ایمرناگی" را اعدام کردند.

اما ساکاشویلی جوان در حقیقت به قول معروف "گزنکرده پاره کرد" و خود و آمریکا را به دردسر انداخته و کشورهای تازه جدا شده از شوروی سابق را نیز بسیار نگران ساخته است. این عملیات روسیه نشان داد که استقلال این کشورهای تازه مستقل تا چه اندازه شکننده است. از سوی دیگر این حمله روسیه درس عبرتی بود برای کسانی که فکر می کردند جمهوری روسیه برخلاف اتحاد جماهیر شوروی است و روی همکاریهای دوستانه و متمددانه و انسان دوستانه این کشور حساب گشوده بودند و تصور می کردند روسیه دیگر آن شوروی سابق و آن روسیه تزاری اسبق نیست که کشورهای گوناگون را بلعیده و آن ها را از نقشه جغرافیا محو کند. حمله روسیه به گرجستان نشان داد که آتش همان آتش و کاسه همان کاسه است و سگ زرد برادر شغال است و بین روسیه تزاری تجاوزگر، اتحاد جماهیر شوروی معدوم کننده استقلال بسیاری از کشورها و نیز جمهوری روسیه فعلی چندان تفاوتی وجود ندارد و در این میان کشورهای بازنده اند که به این خوش خیالی ها دلخوش کرده باشند، یا مثل "ساکاشویلی" جوان و کم تجربه روی حمایت های آمریکا بیش از حد حساب کرده باشند.

پیش از پرداختن به بقیه مطلب بدینست اشاره ای هم بکنم به این نوع دلخوشی ها که سابقه ای تاریخی و طولانی دارد و من فقط به یک نمونه آن و باز هم نسبت به همین روسیه اشاره می کنم. دلخوشی ایجاد شده پس از تأسیس جمهوری روسیه یادآور خوش بینی بیش از حد ایرانیان در پس از به وجود آمدن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کار گری بود تا جایی که بسیاری انتظار داشتند رژیم تازه شوروی تمام سرزمین هایی را که ایران پس از جنگهای ایران و روسیه تزاری و پس از بسته شدن قراردادهای گلستان و ترکمان چای از دست داده بود، رژیم تازه به ایران بازگرداند. اما دیدیم که سگ زردی به نام شوروی برادر شغالی به نام روسیه تزاری بود و حتی شوروی اشتهای بیشتری نسبت به روسیه تزاری داشت تا جایی که پس از محو استقلال کشورهایی چون آذربایجان قفقاز، ارمنستان، گرجستان و... دندان نیز کرده بود که آذربایجان ایران را نیز بلعد که خوشبختانه لقمه گلوگیر شد. باز گردیم به مسأله گرجستان امروز و روسیه پوتین مأمور سابق سازمان امنیتی شوروی سابق.

ناپختگی از سوی ساکاشویلی بود که با حمله به اوستیا بهانه به

تکلیف چیست؟

عده ای از سران جمهوری اسلامی گفته اند با وجود آن که ما خواهان محو کشوری به نام اسرائیل هستیم، اما با ملت اسرائیل دشمنی نداریم. اما عده ای که به اصطلاح تندرو بوده و در هر کاری تمامی خواه هستند گفته اند ما حتی با ملت اسرائیل هم هیچگونه دوستی نداریم و به هیچ وجه خواهان دوستی با آنان نیستیم. نماینده گروه اول اسفندیار رحیم مشائی معاون و قوم و خویش محمود احمدی نژاد است که خواسته با گفتن علاقه اش، به اسرائیلی ها، سخنان دشمن برانگیز و خشن رئیسش احمدی نژاد را تا حدودی تلطیف کند (البته اگر مانند انتظامی و دیگران به اتهام تلطیف افکار عمومی به دادگاه احضار نشود). اما نماینده مخالفان با ملت اسرائیل، علی لاریجانی رئیس تازه مجلس شورای اسلامی است که با سخنان رحیم مشائی مخالفت کرده و گفته است ما و ملت ایران (از طرف ملت ایران هم اظهار نظر کرده لاید به این سبب که نماینده منتخب مردم ایران در مجلس است) به هیچ وجه علاقمند به ملت اسرائیل نیستیم و به دنبال او پاره ای از نمایندگان بله قربان گوی مجلس هم مطابق معمول همین شعار را تکرار کرده و حتی خواستار برکنار کردن رحیم مشائی از سمت معاونت فرهنگی احمدی نژاد شده اند.

در پاره ای از نشریات داخلی نیز در تحلیل این مطلب نوشته اند اگر ما با ملت اسرائیل دوستی داشته باشیم از آنجا که دولت اسرائیل بر اثر رای و انتخاب آنان بر سر کار آمده پس به این ترتیب می بایستی با رژیم اسرائیل هم دوست باشیم در حالیکه این امر با سیاست کلی ما یعنی دشمنی با رژیم اشغالگر و محو کامل آن مغایرت دارد. در اینجا سوالی که بلافاصله به ذهن متبادر می شود، البته با فرض بر آن که طرفدار این اعتقاد آدم های عاقل و متعادلی بوده و پیرو حرف حساب و استدلال می باشند، اگر یک چنین استدلالی را تعمیم بدهیم می بایستی نیمی از مردم جهان از ملت ایران متنفر بوده و بهیچ عنوان ایرانیان را دوست نداشته باشند. زیرا به ادعای رژیم جمهوری اسلامی که در پاره ای از موارد کاملاً هم درست است، این رژیم با انتخاب اکثریت مردم ایران بر سر کار آمده و اکنون نیز رئیس جمهور آن، نمایندگان پارلمان آن، اعضای شورای شهر آن و... منتخب مردم ایران هستند. دلیل آن هم صف های بلندی است که به هنگام انتخابات در حوزه های انتخاباتی تشکیل می شود که عکس و فیلم آن را بارها از سوی رسانه های بین المللی دیده ایم. اما حقیقت چنین است؟ به عبارت دیگر نیمی از مردم دنیا که مخالف رژیم ایران هستند و یا خود ما ایرانیان مقیم خارج که اکثریتشان مخالفان رژیم هستیم ملت ایران را دوست نداریم؟

آخرین خبر: هنگامی که برای بار آخر، این مطلب را بازخوانی میکردم تا برای چاپ بفرستم، خوشبختانه آقای رهبر جمهوری اسلامی تکلیف ما را در مورد مردم اسرائیل روشن فرمودند. بنا به گزارش خبرگزاری ها ایشان گفته اند ما، یعنی مردم ایران، بهیچ عنوان با ملت اسرائیل که مردمی غاصب هستند دوستی نداریم. البته ایشان می توانند هر فرمایشی که میخواهند بفرمایند و حتی نظریات خودشان را به عنوان خواست ملت ایران جا بزنند، اما از آنجا که من همیشه سیاست مستقلى داشته ام، رسماً اعلام می کنم که به عنوان یک انسان و یک ایرانی با هیچ یک از مردم جهان به ویژه اسرائیلی ها هیچگونه دشمنی و پدرکشتگی ندارم و همه انسان ها را دوست دارم و آنچه باعث دشمنی، جنگ و کشت و کشتار ملت ها می شود سیاست دولت

افتتاحیه رستوران کندو

آماده پذیرایی با غذاهای خوشمزه ایرانی در محیطی خانوادگی، دوستانه و گرم

(408) 998-0122



۱۱ اکتبر از ۱۱ صبح الی ۱۱ شب

سیامک جستان خواننده نسل جوان، پدیده ای از ایران به همراهی بدری همتی یار هنرمند معروف و محبوب با همکاری آرمان، آبرت، محسن و دی جی علیرضا

۲۴، ۲۵، ۲۶ اکتبر کنسرت باشکوه

ستار خواننده خوش صدا و محبوب سیامک جستان خواننده نسل جوان با همکاری هنرمندان بی اریا

قبول انواع کیتینگ با سرویسی کامل و کیفیت برتر

سالن مجلل و زیبای رستوران کندو آماده پذیرایی از جشن های خصوصی شما

(جنب بازار نوروز) 1392 Bascom Ave., San Jose